

دانش آموزان عزیزاً توصیه من کنم برای استفاده بهتر از کتاب، ضمیمه‌ها انتها ک جلد اول را با دقت مطالعه نمایید.

ستایش: لطف خدا



تاریخ ادبیات

فرهاد و شیرین: وحشی بافقی

قالب: مثنوی

فهراد و شیرین: وحشی بافقی

به نام پاشنیش زبان؟

حلاوت نخ معنی در بیان؟

قلمرو زبانی چاشنی‌بخش: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. / حلاوت: شیرینی / بیان: زبان‌آوری، سخن □ بیت یک جمله دارد. / فعل «آغاز می‌کنم» حذف به قرینه معنوی ♦ نام چاشنی بخشی زبان‌ها / حلاوت سنج معنی: ترکیب اضافی **قلمرو ادبی** نسبت دادن «حلاوت» به «معنی»: حس‌آمیزی ♦ اشاره به مفهوم «علم‌البيان»، (به او بیان آموخت.) (سوره الرحمن / آیه ۴): تلمیح ♦ «زبان، بیان، معنی» و «چاشنی، حلاوت»: مراجعات نظیر ♦ چاشنی استعاره از زیبایی ♦ حلاوت سنج معنی: اضافه استعاری ♦ زبان استعاره از سخن

قلمرو فکری با نام خداوندی آغاز می‌کنم که به سخن انسان زیبایی را بخشیده است و شیرینی و جذابیت معنی را در بیان انسان قرارداده است. (مفهوم: عنایت و لطف خدا به انسان در گویایی و شیرینی سخن و معنا / آغاز سخن با نام خدا)

ترند آن دل، که او خواهد بلندش

بلند آن سر، که او خواهد بلندش

قلمرو زبانی ترند: خوار و زبون، اندوهگین □ بیت چهار جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم: نهاد + مسنده + فعل / الگوی جمله دوم و چهارم: نهاد + مفعول + مسنده + فعل) ♦ بلند، ترند: مسنند / ش: مفعول ♦ فعل جمله اول و سوم به قرینه معنوی حذف شده است. ♦ شیوه بلاغی: تقدم فعل بر مسنده و مفعول (خواهد بلندش از آن را بلند خواهد) ♦ خواهد ترند از آن را ترند خواهد. ♦ آن سر / آن دل: ترکیب وصفی **قلمرو ادبی** دل، سر: مراجعات نظیر ♦ تقابل بین «بلندی سر» و «ترند بودن دل»: تضاد ♦ اشاره به مفهوم آیه «تعزّزٌ مِنْ تَشَاءُ وَ تَذَلّلُ مِنْ تَشَاءُ» (هر که را بخواهد، عزّت می‌دهد و هر که را بخواهد، خوار می‌کند). (آل عمران / ۲۶): تلمیح ♦ هم‌آوایی و ازگان دو مصراج: موازنہ ♦ بلندی سر از عزّت و افتخار ♦ سر، دل از انسان / واژه‌های «بلند»، «ترند»: تکرار **قلمرو فکری** هر که را خدا سربلند کند، سربلند و عزیز است و هر دلی را که خدا غمگین کند، غمگین است. (مفهوم: غم و شادی واقعی به دست خدا)

به هر کس آنچه می‌باشد داده است

در نابتة احسان کشاده است

قلمرو زبانی نابتة: گشوده، باز / احسان: خوبی، نیکی، نیکوکاری / می‌باشد: لازم بود، ضرورت داشت □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم (می‌باشد): نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل) ♦ نهاد جمله‌ها به قرینه لفظی حذف شده است. / در: مفعول ♦ در نابتة احسان: ترکیب وصفی و اضافی **قلمرو ادبی** تکرار صامت «س»: واج‌آرایی ♦ اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (همانا خداوند هر کس را که بخواهد، بی‌حساب، روزی می‌دهد). (آل عمران / ۳۷): تلمیح ♦ در احسان: اضافه استعاری **قلمرو فکری** در نیکوکاری و احسان را که هیچ‌گاه بسته نمی‌شود، باز کرده و به هر کس آنچه لازم بوده، بخشیده است. (مفهوم: فرگیربودن نیکی و روزی بخشی خدا)

کرنی یک موى باشيش و نى گرم

به ترتیب نهاد وضع عالم

قلمرو زبانی وضع: حال و روش، حالت / نی: نه بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم و سوم: نهاد + مستند + فعل) ♦ وضع: مفعول / فعل جمله سوم به قرینه لفظی حذف شده است. ♦ شیوه بلاغی: تقدم فعل بر مفعول در جمله اول ♦ وضع عالم: ترکیب اضافی/ یک موى: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی بیش، کم: تضاد ♦ «نی»: تکرار ♦ یک موى کمترین چیز عالم مهارت از موجودات و اجزای جهان

قلمرو فکری عالم هستی را به گونه‌ای آفریده است که کوچک‌ترین چیزی از آن نه کم است و نه زیاد. (مفهوم: وجود حکمت الهی و حسابگری در آفرینش جهان)

اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبار اقبال کرد

قلمرو زبانی قرین: همنشین، همراه / ادبار: بدختی، سیه‌روزی؛ متضاد اقبال / اقبال: خوشبختی، سعادت بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + مستند + فعل) ♦ قرین، اقبال: مستند ♦ لطفش، قرین حال: ترکیب اضافی / همه ادبار: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی ادبار، اقبال: تضاد ♦ نسبت‌دادن «قرین شدن» به «لطف»: استعاره

قلمرو فکری اگر لطف و مهربانی خدا همراه حال انسان شود، تمامی بدختی‌ها به خوشبختی تبدیل می‌شود.

(مفهوم: لطف خدا سبب خوشبختی)

وکر توفیق او یک سوند پای نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موفق خواهش بند، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن / تدبیر: اندیشه کردن در عاقبت کار، تفکر، تأمل، اندیشه / رای: فکر و اندیشه کردن، دیدن با عقل بیت سه جمله‌ها: نهاد + فعل) ♦ فعل جمله‌پایانی به قرینه لفظی حذف شده است. ♦ توفیق او: ترکیب اضافی / یک سو: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی تکرار صامت «» در مصادر دوم: «واژه آرایی» و «واژه نه»: تکرار ♦ پای، رای: جناس ناهمسان تدبیر، رای: مراعات نظری نسبت‌دادن ویژگی‌های انسانی به توفیق، تدبیر و رای: استعاره(تشخیص) / پای سونهادن همراهی نکردن، کنارگیری کردن

قلمرو فکری اگر توفیق و توجه خدا نباشد (شامل حال کسی نشود)، کاری از دست عقل، تدبیر و اندیشه بر نمی‌آید.

(مفهوم: عجز عقل و اندیشه بدون عنایت و توفیق خدا / آنچه خدا خواست همان می‌شود).

خرد را کر نخشد روشنایی باند تا ابد در تیره‌ای

قلمرو زبانی تیره‌ای: بداندیشی، گمراهی بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ♦ نهاد جمله‌ها به قرینه لفظی حذف شده است. ♦ خرد: مفعول / روشنایی: مفعول دوم

قلمرو ادبی روشنایی، تیره‌ای: تضاد ♦ نسبت‌دادن «تیرگی» به «رای»: حس‌آمیزی ♦ نسبت‌دادن «در تیره‌ای ماندن» به «خرد»: استعاره (تشخیص) ♦ در تیره‌ای ماندن خرد: متناقض‌نما ♦ خرد مهارت از انسان ♦ در تیره‌ای ماندن گمراهی ♦ اشاره به مفهوم آیه «يخرجونَّهُم مِّنَ الظُّلَمَاتِ إِلَى النُّورِ» (آمها را از ظلمت‌ها به سوی نور هدایت می‌کند). (بقره / ۲۵۷): تلمیح

قلمرو فکری اگر خدا به خرد بصیرت و روشنایی ندهد، برای همیشه در گمراهی خواهد‌ماند. (مفهوم: عجز و تیرگی خرد انسان بدون بصیرت الهی)

کمال عقل آن باشد در این راه که کید نیتم از بیج آگاه

قلمرو زبانی کمال: کامل شدن، تمام شدن بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم: نهاد + مستند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + فعل) ♦ شیوه بلاغی: در جمله اول، تقدم فعل بر متمم؛ در جمله سوم، تقدم فعل بر متمم و مستند ♦ کمال عقل: ترکیب اضافی / این راه: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی اشاره به سخن مشهور «لاآدری: من هیچ نمی‌دانم»: تلمیح ♦ راه استعاره از معرفت و خداشناسی ♦ کمال بودن عقل در آگاه نبودن آن: متناقض‌نما

قلمرو فکری در راه شناخت خدا و حقیقت هستی، بالاترین حد عقل آن است که انسان به نادانی خود اعتراف کند. (مفهوم: عجز عقل از شناخت حقیقت)

۱. نام دیگر آرایه تکرار، «واژه آرایی» است.

۲. الگوی این جمله به صورت «نهاد + متهم + مفعول + فعل» نیز درست است. در این صورت «را» به معنای «به» می‌باشد.



نیکی



♦♦♦ تاریخ ادبیات ♦♦♦

بوستان: سعدی

قالب: مثنوی

فروماند در لطف و صنع خدای

کمی رویی دید بی دست پای

قلمرو زبانی فروماندن: متحیّر شدن / لطف: مهربانی، عنايت / صنع: آفریدن، آفرینش، کار، کردار بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ♦ رویه: مفعول / شیوه بلاغی در مصراع اول: تقدّم فعل بر صفت / شیوه بلاغی: در مصراع دوم، تقدّم فعل بر متمم ♦ رویه بی دست و پای: ترکیب وصفی / لطف و صنع خدای: ترکیب اضافی (صنع: معطوف)

قلمرو ادبی تکرار مصوّت «ی» در مصراع اول: واج آرایی ♦ دست، پای: مراعات نظری ♦ اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ» (همانا خداوند با بندگانش طلیف و مهربان است). (شوری / ۱۹): تلمیح ♦ بی دست و پای ناتوان و فلچ / فروماندن تعجب کردن

قلمرو فکری شخصی روباه فلچ و ناتوانی دید و از لطف و آفرینش خدا شگفت‌زده شد. (مفهوم: فراگیر بودن لطف خدا در آفرینش)

که چون نذکانی به سرمی برد؟
بین دست و پایی از کجا می خورد؟

قلمرو زبانی چون: چگونه بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + مفعول + فعل) ♦ نزدگانی: مفعول ♦ این دست و پای: ترکیب وصفی (پای: معطوف)

قلمرو ادبی دست، پای: مراعات نظری ♦ به سربودن گذراندن ♦ دست و پای بی دست و پای (натوانی)

قلمرو فکری که این روباه چگونه زندگی خود را می‌گذراند و با این ناتوانی و بی دست و پایی از کجا غذا می‌خورد؟! (مفهوم: شگفت‌زدگی / عجز انسان از درگ اسرار آفرینش)

در این بود درویش شوریده رنگ
که شیری برآمد شغالی به چنگ

قلمرو زبانی شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشتخواران است. / شوریده رنگ: آشفته حال بیت دو جمله دارد.

(الگوی جمله اول: نهاد + مسند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ♦ در این فکر: مسند ♦ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر نهاد / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر قید

قلمرو ادبی تکرار صامت «ش» در کل بیت: واج آرایی ♦ رنگ داشتن شوریدگی: حس‌آمیزی ♦ رنگ حال ♦ رنگ، چنگ: جناس ناهمسان^۱ ♦ شوریدگی رنگ آشفتنگی

قلمرو فکری درویش آشفته حال در این فکر بود که شیر با شغالی در چنگالش، آمد. (مفهوم: حیرت درویش / صلاحت شیر)

شغال نگون بخت را شیر خورد
باند آنچه روباه از آن سیر خورد

قلمرو زبانی نگون بخت: بدیخت بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله‌های اول و سوم: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ♦ شغال: مفعول / شیوه بلاغی در جمله اول: جایه‌جایی نهاد و مفعول / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر نهاد ♦ شغال نگون بخت: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی شغال، شیر، روباه: مراعات نظری ♦ شیر، سیر: جناس ناهمسان ♦ خورد: تکرار ♦ نسبت دادن نگون بختی به شغال: استعاره (تشخیص) / نگون بختی بیچارگی و بدیختی

قلمرو فکری شغال بدیخت را شیر خورد و آنچه باقی ماند، روباه از آن غذای کاملی خورد و سیر شد. (مفهوم: شیر واسطه روزی رسانی)

۱. گاهی در سؤالات کنکور یک جزء ازواژه مرکب با یک واژه ساده «جناس» گرفته شده است.

دگر روز باز اثاق او فقاد

که روزی رسان وقت روزش بدار

قلمرو زبانی قوت: رزق روزانه، خوارک، غذا □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + متّهم + فعل)

قوت: مفعول + دگر روز: ترکیب وصفی / قوت روزش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی تکرار صامت «ر» و مصوت «و»: واج آرایی + روز، روزی: جناس ناهمسان + روز، روزی رسان، قوت: مراجعات نظیر + اشاره به آیه «انَ اللَّهُ يَرْزُقُ مِنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۳۷) تلخیص + روزی رسان ← خدا

قلمرو فکری روز دیگر دوباره چنین اتفاقی افتاد و خداوند روزی رسان غذای روزانه روباه را به او داد. (مفهوم: روزی رسان بودن خدا / دائمی بودن روزی)

تین مرد را دیده بینده کرد شد و تکیه بر آفرینده کرد

قلمرو زبانی یقین: بدون شک، بی‌گمان، هر چیز ثابت و واضح و دانسته شده / شد: رفت □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + مسنند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مفعول + فعل) + نهاد جمله دوم و سوم به قرینه لفظی حذف شده است. / دیده، تکیه: مفعول / بیننده: مسنند + نوع «را»: فک اضافه ← مرد را دیده = دیده مرد

قلمرو ادبی دیده، بیننده: هم‌ریشگی (اشتقاق) + دیده، بیننده: مراجعات نظیر + تکرار صامت «ن»: واج آرایی + تکیه کردن ← توکل / بیننده ← آگاه ← آگاه

قلمرو فکری یقین درویش به روزی رسانی خدا، چشم او را بینا کرد و به او بصیرتی داد که براین اساس رفت و به آفریدگار توکل کرد. (مفهوم: بصیرت یافتن از مشاهدات و توکل برخدا)

کنین پس به گنجی نشینم چو مور

که روزی خورند پیلان به نور

قلمرو زبانی کنج: گوشه / پیل: فیل □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + فعل) + روزی:

مفقول + شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر منّم / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر نهاد و متّهم

قلمرو ادبی تکرار صامت «ر»: واج آرایی + مانند کردن گوینده (درویش) به مور: تشبیه + مصراج دوم تمثیلی برای مصراج اول + مور، زور: جناس ناهمسان + مور، بیل: تضاد + مور ← نهاد ← ناتوانی / پیل ← نهاد ← قدرتمندی

قلمرو فکری که از این پس مانند موری به گوشه‌ای می‌نشینم و منتظر روزی می‌مانم چون فیلان قوی‌هیکل به زور بازو روزی نمی‌خورند و روزی آنها می‌رسد. (مفهوم: عزم و تصمیم به گوشه‌نشینی و توکل)

زنخدان فربود چندی به جیب

که بخششده روزی فرستد ز غیب

قلمرو زبانی زنخدان: چانه / جیب: گربیان، یقه / بخششده: روزی‌دهنده، خداوند / غیب: پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ...

در آن قرار دارند. □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + متّهم + فعل) + نهاد جمله اول به قرینه لفظی حذف شده است. / زنخدان، روزی: مفعول / جیب: متّهم / متّهم جمله دوم به قرینه معنوی حذف شده است. (چیزی را برای کسی فرستادن) + شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر قید و متّهم

قلمرو ادبی تکرار صامت «ب»: واج آرایی + جیب، غیب: جناس ناهمسان + زنخدان به جیب فربودن ← گوشه‌نشینی، انتظار و تفکر / بخششده ← خداوند ← آگاه ← خداوند

قلمرو فکری مدتی گوشه‌نشینی کرد، به انتظار این که خداوند روزی بخشن از عالم غیب به او روزی بدهد. (مفهوم: گوشه‌نشینی و انتظار روزی داشتن)

۱. واژه دگر (دیگر) صفت مبهم پسین است که گاهی پیش از هسته قرار می‌گیرد. (ترکیب مقلوب)

۲. برخی همکاران «یقین» را قید می‌دانند و «دیده» را به معنای «مشاهده شده» در نقش «نهاد» می‌پندارند. ← (بی‌تبدیل آنچه مرد مشاهده کرد، اورا آگاه کرد و براین اساس، رفت و به خدا توکل کرد).

چچش، رک و اخوان ماند پوست

ز بیگانه تیار خودش نه دوست

قلمرو زبانی تیمار: غم؛ تیمار خوردن: غمخواری / چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. **بیت سه جمله دارد.** (الگوی جمله اول و دوم: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + فعل) ♦ تیمار: مفعول / چنگ و ضمیر «ش» در «چچش»: متمم تیمارش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی بیگانه، دوست: تضاد ♦ رگ، استخوان، پوست: مراتعات نظیر ♦ پوست، دوست: جناس ناهمسان ♦ چنگ ۱. نام سازی ۲. دست به تناسب رگ: ایهام تناسب ♦ مانند کردن درویش به ساز چنگ: تشبيه ♦ مصراع اول \leftarrow کنایه از \rightarrow تنهایی / مصراع دوم \leftarrow کنایه از \rightarrow ضعف و لاغری شدید ♦ تکرار صامت «ن»: واج آرایی

قلمرو فکری هیچ کس از آشنا و بیگانه، غمخوارش نشدند و مانند ساز چنگ، از لاغری فقط رگ و استخوان و پوستی برایش ماند. (مفهوم: تنهایی وضعی و لاغری)

ز دیوار محابش آمد به گوش:

چ صبرش ناند از ضعیفی و هوش

قلمرو زبانی هوش: گاهی / محراب: قبله، جای امام جماعت در مسجد **بیت دو جمله دارد.** (الگوی جمله ها: نهاد + فعل) ♦ صبرش، دیوار محراب، گوشش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی تکرار صامت «ش»: واج آرایی ♦ هوش و گوش: جناس ناهمسان ♦ به گوش آمدن \leftarrow کنایه از \rightarrow شنیدن ♦ هوش \leftarrow مهارت از \rightarrow هوشیاری

قلمرو فکری وقتی که از ضعیفی، صبر و هوشش تمام شد، از دیوار قبله صدایی (ندایی غیبی) به گوشش رسید. (مفهوم: ضعف و بی هوشی)

ب رو شیر دنده باش، ای دغل

بینداز خود را چ روباه شل

قلمرو زبانی دغل: نار است، حیله‌گر / شل: دست و پای از کار افتاده **بیت چهار جمله دارد.** (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مسند + فعل / جمله سوم: شبه جمله (منادا) / الگوی جمله چهارم: نهاد + مفعول + فعل) ♦ نهاد جمله اول، دوم و چهارم به قرینه لفظی حذف شده است. ♦ شیر درنده: مسند / خود: مفعول / دغل: منادا / روباه: متمم ♦ شیر درنده، روباه شل: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی تکرار صامت «ر»: واج آرایی ♦ شیر، درنده، روباه: مراتعات نظیر ♦ مانند کردن درویش به شیر و روباه: تشبيه

قلمرو فکری ای حیله‌گر، برو مانند شیر درنده در کسب روزی قوی باش و خودت را مانند روباه فلچ، گوشنهنشین و محتاج نکن.

(مفهوم: دعوت به تلاش و قدرتمندی و ترک ضعف و گوشنهنشینی)

چ باش چ روبه به ومانده، سیر

چنان سی کن کز تو ماند چ شیر

قلمرو زبانی ومانده: باقی‌مانده، بقیه‌غذا **بیت سه جمله دارد.** (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) ♦ سعی: مفعول / سیر: مسند ♦ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر متمم / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر متمم و مسند

قلمرو ادبی تکرار صامت «ج»: واج آرایی ♦ شیر و سیر: جناس ناهمسان ♦ مانند کردن (درویش) به شیر و روباه: تشبيه ♦ شیر \leftarrow نهاد \rightarrow انسان‌های قوی و متّکی به خود و نیکوکار / روباه \leftarrow نهاد \rightarrow انسان‌های ضعیف و وابسته و محتاج به دیگران

قلمرو فکری آن چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران چیزی بماند نه اینکه مانند روباه از باقی‌مانده غذای دیگران سیر شوی.

(مفهوم: دعوت به قدرتمندی و بی نیازی / پرهیز از ضعف و نیازمندی)

ک سعیت بود در ترازوی خویش

بنجور تا توانی به بازوی خویش

قلمرو زبانی سعی: کوشیدن، تلاش **بیت سه جمله دارد.** (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) ♦ در ترازو: مسند (متّم به جای مسند) ♦ شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر متمم / شیوه بلاغی در جمله سوم: تقدّم فعل بر مسند ♦ بازوی خویش، سعیت، ترازوی خویش: ترکیب اضافی

۱. گاهی مسند به صورت متّم می‌آید؛ مانند: «او از دوستان ما است.»

قلمرو ادبی خوبیش: تکرار ♦ اشاره به مفهوم آیه «لیست لِإنسانَ إِلَّا مَا سَعَى» (برای انسان جز حاصل تلاش او نیست). (التَّجَمُّعُ / ۵۳): تلمیح ♦ بازو=مهماز از=کاروتلاش / سعی=مهماز از=نتیجه کاروتلاش ♦ خوردن=کنایه از=تلاش برای کسب روزی / در ترازو بودن=کنایه از=عایید شدن و به دست آمدن قلمرو فکری تاجایی که می‌توانی با تلاش و کوشش خود روزی کسب کن برای این که تنها نتیجه تلاش توست که به دست نمی‌رسد.

(مفهوم: دعوت به تلاش و خودکفایی)

بگیر ای جان، دست درویش پیر نه خود را بیگن که دستم بگیر

قلمرو زبانی درویش: سائل، گدا، خواهند از درها □ بیت چهار جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم و چهارم: نهاد + مفعول + فعل / جمله دوم: شبیه جمله (منادا) ♦ دست، خود: مفعول / جوان: منادا ♦ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر مفعول ♦ دست درویش پیر: ترکیب اضافی و وصفی / دستم: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی پیر، جوان: تضاد ♦ دست گرفتن=کنایه از= یاری کردن / خود را افکیدن=کنایه از= خود را به ناتوانی زدن **قلمرو فکری** ای جوان، درویش و نیازمند را یاری کن و خودت را به ناتوانی نزن که از دیگران یاری و کمک بخواهی. (مفهوم: دعوت به یاری ضعیفان و دوری از ناتوانی و ابراز احتیاج)

خدا را بر آن بندو بخشنایش است که خلق از وجودش درآمیش است

قلمرو زبانی بخشایش: آمرزش، گذشتمن از جرم و گناه، عفو / خلق: مردم، مخلوقات □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله ها: نهاد + مسنده + فعل) بخشایش: نهاد/برآن بنده، درآمیش: مسنده+ بنده، بخشایش، آمیش: وندی ♦ خدارا...بخشایش(بخشایش خدا): ترکیب اضافی (نوع «را»: فک اضافه) / آن بنده: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی تکرار صامت های «ب، ش»: واج آرایی ♦ خدا، بنده، خلق: مراتعات نظیر و وجود=مهماز از= اعمال و رفتار و خدمت ها **قلمرو فکری** بخشایش و گذشت خدا برای بنده ای است که خلق خدا از اعمال و رفتار (خدمات) او درآمیش باشد. (مفهوم: بخشایش خدا در گرو خدمت به خلق / دعوت به نیکی بر خلق)

کرم ورز آن سرک مرگی در اوست که دون بختاند بی معزوب است

قلمرو زبانی دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه / کرم: بخشندگی، جوانمردی □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسنده + فعل) ♦ کرم: مفعول / بی معزوب پست: مسنده ♦ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر نهاد / شیوه بلاغی در جمله سوم: تقدّم فعل بر مسنده

قلمرو ادبی تکرار صامت «ر» در مصراحت اول: واج آرایی ♦ مغز: پست: تضاد ♦ مغز: تکرار ♦ اوست: جناس ناهمسان ♦ سر=مهماز از= انسان / مغز=مهماز از= عقل و خرد ♦ بودن مغز در سر کسی=کنایه از= خردمندی / بی معزوب پست بودن=کنایه از= بی خردی **قلمرو فکری** انسان خردمند بخشندگی می‌کند برای اینکه انسان های پست همت و فرومایه [که بخشندگ نیستند] بی خردند. (مفهوم: بخشندگی نشانه خردمندی / دعوت به بخشندگی)

کسی نیک بیند به خلق خدای که نیک رساند به هر دو سرای

قلمرو زبانی سرای: خانه، منزلگاه □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل) / نیک، نیکی: مفعول ♦ شیوه بلاغی در هردو جمله: تقدّم فعل بر متمم ♦ هردو سرای: ترکیب وصفی / خلق خدای: ترکیب اضافی **قلمرو ادبی** نیک، نیکی: جناس ناهمسان ♦ تکرار صامت های «ک، ن»: واج آرایی ♦ اشاره به آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَأَنَّ فِسْكُمْ» (اگر نیکی کردید، بی تردید به خودتان نیکی کردید). (اسراء / ۷): تلمیح ♦ دو سرای=استعارة= دنیا و آخرت

قلمرو فکری کسی در دو جهان (دینی و آخرت) نیکی می‌بیند که به خلق خدا نیکی برساند. (مفهوم: نیکی دیدن در دو جهان، نتیجه نیکی به خلق)

دانش‌های زبانی و ادبی

دانش‌های زبانی

روش تعیین معنای دقیق واژگان:

۱ کاربرد واژه در جمله

به دو جملهٔ زیر توجه کنید:

دوستم هر روز پیش من می‌آمد.

لباس به دوستم می‌آمد.

معنای «آمدن» در جملهٔ اول «بازنده بودن» و در جملهٔ دوم « حرکت کردن» است. معنای دقیق «آمدن» هنگام قرارگرفتن در جمله مشخص می‌شود.

همچنین در دو جملهٔ زیر:

۱- ماه یکی از کرات آسمان است. «ماه»: نام یکی از کرات آسمان. ۲- ماه سی روز است. ماه: بُرج؛ مُدت زمانی معادل سی روز.

معنای دقیق «ماه» نیز با قرارگرفتن در جمله مشخص شده است. پس: با به کار بردن واژه در یک جمله می‌توان معنای دقیق آن را مشخص کرد.

۲ روابط معنایی در گروه واژه

هم‌نشینی واژگان به صورت گروه‌های اسمی و عطفی (همراه با «و» عطف) گروه واژه را به وجود می‌آورد. این هم‌نشینی باعث ایجاد روابطی بین واژگان می‌شود که می‌توان براساس آن معنای دقیق واژگان را تعیین کرد. این روابط شامل موارد زیر می‌شود:

تضمن: رابطهٔ مجموعه و زیر مجموعه؛ مانند: ورزش و فوتبال؛ فوتبال زیرمجموعهٔ ورزش است.

تضاد: رابطهٔ متقابل و متضاد بین واژگان؛ مانند: حب و بغض

ترادف: رابطهٔ هم‌معنی بودن بین واژگان؛ مانند: رافت و عطوفت

تناسب: رابطهٔ یاد آوری و تداعی بین واژگان؛ مانند: سرخ و زرد

برای تعیین معنای دقیق واژه می‌توان آن را در گروه واژگان به صورت گروه‌های اسمی یا عطفی با روابط فوق قرار داد.

کارگاه متنپژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(صائب) قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

◆ معیار دوستان دغل روز حاجت است

(مولوی) ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

◆ صورت بی‌صورت بی حَدِّ غیب

(اوحدی) گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

◆ فخری که از وسیلت دون همتی رسد

۲- برای کاربرد هر یک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

◆ پیوندهای هم‌پایه ساز؛

◆ پیوندهای وابسته ساز؛

۳- معنای فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

قطره باران ما گوهر یکدane شد

◆ گریه شام و سحر، شُکر که ضایع نگشت

(حافظ) دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

◆ منزل حافظ کنون بارگه پادشاهست

۴- معنای برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هر یک از واژه‌های مشخص شده، دقیق تر می‌توان پی برد:

(الف) قرارگرفتن واژه در جمله:

◆ ماه، طولانی بود.

◆ ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه های معنایی (ترادف، تضاد، تضمن و تناسب)

- ◆ سیر و بیزار ← ترادف
- ◆ سیر و گرسنه ← تضاد
- ◆ سیر و پیاز ← تناسب
- ◆ سیر و گیاه ← تضمن

اکنون برای دریافت معانی واژه های «دست» و «تند» با استفاده از دو روش بالا، نمونه های مناسب بنویسید.

قلمرو ادبی

۱- از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آن ها را بنویسید.

۲- در بیت زیر، شاعر، چگونه آرایه جناس (تام) را پدید آورده است؟

(سعدی)

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

با زمانی دیگران داز، ای که پندم می دهی

ارکان تشییه را در مصراج دوم بیتدوازدهم مشخص کنید.

در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نظر روان بنویسید.

۲- درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

(سعدی)

شد و تکیه بر آفریننده کرد

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

برای مفهوم هریک از سروده های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

(فریدون هشیری)

شرط عقل است چُستن از درها

سر بر چند بی گمان برسد

کشیده سر به بام خسته جانی

سحر دیدم درخت ارغوانی

(پروین اعتصامی)

بهارت خوش که فکر دیگرانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم:

نباید جز به خود، محتاج بودن

چه در کار و چه در کار آزمودن

پاسخ کارگاه متن ریووهٔ ۴۰۰۰

قلمرو زبانی

۱- دغل: فریبکار / جیب: گربیان، پله / دون همتی: فرومایگی، پستی

۲- پیوندهای هم پایه ساز؛ یقین مرد را دیده، بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد

پیوندهای وابسته ساز؛ بخور تا توانی به بازوی خویش

۳- واژه «شد» در بیت اول فعل استنادی و در بیت دوم به معنی «رفت» است.

۴- (الف) روش اول؛ دست: دست یکی از اعضای مهم بدن است. / شش عدد لیوان را یک دست می گویند. / او دیوار را دو دست رنگ زد. / او در این کار، دست و پاندارد.

تند: این پیاز خیلی تند بود. / پدرم تند غذا می خورد. / رئیس، رفتار تند و قاطعی با کارمندش داشت. / رهرو واقعی گاهی تند و گاهی آهسته نمی رود بلکه همیشه می رود.

(ب) روش دوم؛ دست و پا ← تناسب / دست و بدن ← تضمن / تند و آهسته ← تضاد / تند و سریع ← ترادف

قلمرو ادبی

۱- ز خدان به جیب فربودن ← کنایه از ← گوش نشینی، انتظار و تفکر

تکیه کردن ← کنایه از ← توکل

۲- واژه «چنگ» با یک تلفظ دو معنا دارد که در بیت، بار اول به معنای «نوعی ساز زهی» و بار دوم به معنای «دست» به کار رفته است و جناس همسان (تام) را به وجود آورده است.

۳- چنان سعی کن کز تو ماند چوشیر چه باشی چو روبه به وamanده سیر؟

مشبّه: مخاطب (درویش) / مشبّه: شیر، رویاه / وجه شبّه: بلندی همت در باقی گذاشتن غذا (شیر)، سیر شدن از باقی مانده غذای شیر (رویاه)؛ ادب تشبيه: چو

۴- شیر نماد انسان‌های کوشاه علاوه بر خود بر دیگران هم احسان می‌کند.
رویاه نماد انسان‌هایی که خود را محتاج دیگران می‌دانند و برای کسب روزی، تلاش نمی‌کنند و خیری بر دیگران هم نمی‌رسانند.

قلمرو فکری

۱- انسان خردمند بخشندگی می‌کند برای اینکه انسان‌های پست‌همت و فرومایه [که بخشندۀ نیستند] بی‌خردن. (مفهوم: بخشندگی نشانه خردمندی است).
۲- اطمینان از روزی رسان بودن خدماتی و توکل بر خداست.

۳- آآ چنان سعی کن کز تو ماند چوشیر چه باشی چو روبه به وamanده سیر؟
ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

پ) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

۴- مفهوم مشترک ضرب المثل و متن در تأکید بر سعی و تلاش و کسب روزی و نکوهش توکل بدون سعی است.
نوضیح موضوع: متن درس بیان مفهوم واقعی توکل به خداست. توکل واقعی آن است که انسان همراه با کار و تلاش، رزق و روزی را فقط از خدا بخواهد برای اینکه خدا امکان کسب و کار را در اختیار او قرار داده است. زمانی خداوند بدون تلاش، روزی می‌دهد که انسان امکانی برای سعی و تلاش نداشته باشد.
پایان حکایت دعوت به سعی و تلاش و احسان بر نیازمندان است و خداوند به شرط تلاش به روزی انسان برکت می‌دهد.

-۵

گنج حکمت: همت



تاریخ ادبیات

بهارستان: جامی

موري را ديدند که به زورمندي کمر بسته و ملخي را ده برابر خود برداشت. به تعجب گفتند: «اين موري را ببينيد که [بارا] به اين گرانی چون می‌کشد؟»
مور چون اين بشنيد، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نيروي همت و بازوی حميّت کشند، نه به قوت تن.»

قلمرو فکري گران: سنگين / همت: اراده، عزم / حميّت: غيرت، جوانمردي، مردانگي متن داراي يازده جمله است. فعل کمکي «بود» پس از «کمر بسته» و «برداشته» حذف شده است. نهاد جمله‌های بند اول به قرینه لفظی حذف شده است. / فعل جمله پایانی به قرینه لفظی حذف شده است. نيروي همت، بازوی حميّت، قوت تن: ترکيب اضافي

قلمرو ادبی کمر بستن آغاز شده است که آماده شدن به کاري نيروي همت، بازوی حميّت: اضافه استعاره / به طور كلی نسبت دادن ويزگي های انساني به موري: استعاره (تشخيص)

قلمرو فکري مورچه‌ای را ديدند که آماده قدرت نمایي شده، ملخي را که ده برابر، بزرگ تراز خود بود، برداشته بود. با تعجب گفتند، اين مورچه را ببينيد که بار به اين سنگين را چگونه می‌برد؟!

مورچه وقتی اين سخن را شنيد، خندید و گفت: «مردان بزرگ بار را با قدرت اراده، همت مردانگي و غيرت خود می‌برند نه با قدرت بدني.» (مفهوم: بلندی همت و مردانگي)

واژگان جدید درس: ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

جیب: گریبان، یقه	ادبار: بدبوختی، سیه روزی؛ متضاد اقبال
چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.	اقبال: خوشبوختی، سعادت
حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی	توفيق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا
دَعْل: ناراست، حیله‌گر	خواهش او به نتیجه برسد؛ سارگار گردانیدن
دون‌همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه	تیره‌رایی: بداندیشی، گمراهی
زَنَخدان: چانه	چاشنی: مزه، طعم
شُغال: جانویر پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشتخواران است.	حلاوت: شیرینی
شَل: دست و پای از کار افتاده	نژند: خوار و زبون، اندوهگین
شوریده‌رنگ: آشفته‌حال	
غیب: پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارد.	
فروماندن: متحیر شدن	
قوّت: رزق روزانه، خوراک، غذا	

واژگان مهم املایی

ستایش (لطف خدا)	لطف خدا - حلاوت سنج معنی - احسان و نیکوبی - وضع عالم امکان - قرین و همراه - اقبال و شانس - توفيق و همراهی - تیره‌رایی و بدبوختی - اثر وحشی بافقی - تعلیمی و آموزشی
نیکی	لطف و صنع - اتفاق و حادثه - قوت و روزی - محراب و قبله‌گاه - دغل و ناراستی - بیفکن و بگیر - دون‌همت و پست - معیار و سنجش - حاجت و نیاز - قرض و دین - وسیلت و سبب - عار و ننگ - ضایع و باطل - تضمن و رابطه معنایی - ارغوانی و زیبا - مَثَل و تمثیل
همت	تعجب و شگفتی - نیروی همت و اراده - حمیت و غیرت - قوت و قدرت تن - بهارستان جامی

ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

قلمرو زبانی

پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۴) چهار

۳) سه

۲) دو

۱) یک

۱- معنی چند واژه داخل کمانک‌ها نادرست است؟

(حلاوت: شیرینی) - (اقبال: سعادت) - (نژند: خشمگین) - (رای: دیدن با دل) - (تیره‌رایی: بداندیشی)

۲- معنی واژه‌های «صنع، قوت، یقین، زنخدان» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) آفرینش - نیرو - هر چیز ثابت - گونه

(۲) بازسازی - خوراک - مطمئن - چانه

(۳) کار - رزق روزانه - اطمینان - چانه

(۴) کردار - غذا - بدون شک - گونه

۳- در کدام گزینه معنای همه لغات درست است؟

(۱) جیب: گربیان) - (اقبال: خوشبختی)

(۲) (چاشنی: ادویه) - (حمیت: غیرت)

(۳) (خلق: خو و رفتار) - (دغل: ناراست)

۴- با توجه به ایيات زیر، در کدام بیت واژه مشخص شده درست معنی شده است؟

که نیکی رساند به خلق خدای (سرای: سراینده)

نه خود را بیفکن که دستم بگیر (درویش: سائل)

که شیری برآمد، شغالی به چنگ (چنگ: ساز موسیقی)

شد و تکیه بر آفریننده کرد (یقین: قابل اطمینان)

(۱) کسی نیک بینند به هر دو سرای

(۲) بگیرای جوان، دست درویش پیر

(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ

(۴) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

۵- معنی واژه‌های «فروماندن، شوریده‌رنگ، دون‌همت، توفیق» به ترتیب کدام است؟

(۱) عصبانیت - پریشان - کوتاه‌همت - سارگار گردانیدن

(۲) ساکن شدن - پریشان - تنبل - موافق شدن

(۳) متحرّر شدن - آشفته‌حال - کوتاه‌همت - سارگار گردانیدن

(۴) حیران گشتن - آشفته‌حال - تنبل - موافق شدن

۶- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

(۱) به نام چاشنی بخش زبان‌ها

(۲) اگر لطفش غرین حال گردد

(۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم

(۴) وگر توفیق او یکسو نهد پای

۷- در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

(۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای

(۲) که چون زندگانی به سرمی‌برد؟

(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ

(۴) دگر روز باز اتفاق افتاد

حلوات‌ستنج معنی در بیان‌ها

همه ادب‌های اقبال گردد

که نی یک موى باشد بیش و نی کم

نه از تدبیر کار آید نه از رای

فروماند در لطف و سنج خدای

بدین دست و پای از کجا می‌خرد؟

که شیری برآمد، شقالی به چنگ

که روزی‌رسان قوت روزش بداد

۸- در کدام گزینه کلمات هم‌خانواده یا هم‌ریشه دیده نمی‌شود؟

(۱) محراب، حربه، مخاربه

(۲) غیب، غایب، غیبت

(۳) صبر، بصیر، صبور

(۴) بیننده، دیدار، بینش

-۹ در کدام گزینه روابط بین کلمات درست بیان نشده است؟

- (۱) ادباء و اقبال \blacktriangleleft تصاد (۲) جیب و گریبان \blacktriangleleft تناسب (۳) زنخدان و چانه \blacktriangleleft ترادف (۴) شیر و دد \blacktriangleleft تضمن

-۱۰ در کدام گزینه روابط بین کلمات درست بیان نشده است؟

- (۱) شیر و رویاه \blacktriangleleft تناسب (۲) نگون بخت و اقبال \blacktriangleleft تضاد (۳) تیمار و غمخواری \blacktriangleleft ترادف (۴) انسان و مخلوق \blacktriangleleft تضمن

-۱۱ در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

که بخشند، روزی فرستد ز غیب
ز دیوار مهرباش آمد به گوش
مینداز خود را چو رویاه شل
که سعیت بود در ترازوی خویش

(۱) زنخدان فرو برد چندی به جیب

(۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش

(۳) برو شیر درنده باش، ای دقّل

(۴) بخور تا توانی به بازوی خیش

-۱۲ واژه «شد» در کدام ابیات به معنی «رفت» است؟

(الف) چو رستم ز دست وی آزاد شد

(ب) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

(ج) منزل حافظ، کنون بازگه پادشاهست

(د) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

(۱) الف، ج (۲) ج، د

-۱۳ در کدام گزینه واژه مشخص شده درست معنی نشده است؟

شد و تکیه بر آفریننده کرد (مشاهده شده)

(۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

که روزی نخوردند پیلان به زور (گوشهای)

(۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور

چه باشی چو رویه به وامنده سیر (درمانده)

(۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

نه خود را بیفکن که دستم بگیر (گدا)

(۴) بگیر ای جوان، دست درویش پیر

-۱۴ با توجه به بیت «به نام چاشنی بخش زبان‌ها / حلوات‌سنجد معنی در بیان‌ها» کدام گزینه درست است؟

(۱) بیت سه جمله دارد.

(۲) در بیت سه فعل حذف شده وجود دارد.

(۳) واژه «زبان» مضاف‌الیه است.

(۴) «حلوات‌سنجد معنی» ترکیب وصفی است.

-۱۵ در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نزند آن دل، که او خواهد نزندش» نقش ضمیرها به ترتیب در کدام گزینه درست است؟

(۱) نهاد - مفعول - نهاد - مفعول (۲) مسند - نهاد - مفعول - مسند (۳) نهاد - مضافق‌الیه - نهاد - مضافق‌الیه (۴) نهاد - مفعول - نهاد - متمم

-۱۶ در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نزند آن دل، که او خواهد نزندش» نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه درست است؟

(۱) نهاد - مفعول - صفت - مسند (۲) مسند - نهاد - صفت - نهاد (۳) مسند - نهاد - مفعول - مسند (۴) مسند - مفعول - مسند

-۱۷ با توجه به بیت «در نابسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌باشد، داده‌ست» کدام گزینه درست است؟

(۱) نهاد جمله اول و سوم به قرینه حذف شده است.

(۲) «نابسته» هسته اولین گروه اسمی است.

(۳) واژه‌های «نابسته و کس» متمم هستند.

-۱۸ در کدام گزینه هسته گروه اسمی درست مشخص شده است؟

به هر کس آنچه می‌باشد، داده‌ست

(۱) در نابسته احسان گشاده‌ست

که نی یک موی باشد بیش و نی کم

(۲) به ترتیبی نهاده وضع علیم

نه از تدبیر کار آید نه از رای

(۳) وگر توفیق او یک سونهاد پای

که گوید نیستم از هیچ آگاه

(۴) کمال عقل آن باشد در این راه

-۱۹ در کدام گزینه نقش واژه مشخص شده میان کمانک صحیح نیست؟

همه ادباهای اقبال گردد (قین حال = مسند)

(۱) اگر لطفش قرین حال گردد

نه از تدبیر کار آید نه از رای (پای = مفعول)

(۲) وگر توفیق او یکسو نهاد پای

بماند تا ابد در تیره‌ای (خرد = مفعول)

(۳) خرد را گر نیخد روشنایی

که گوید نیستم از هیچ آگاه (آگاه = مسند)

(۴) کمال عقل آن باشد در این راه

- ۲۰- در کدام گزینه واژه مشخص شده نقش متفاوتی دارد؟

همه ادبارها اقبال گردد
نه از تدبیر کار آید نه از رای
بماند تا ابد در تیره‌ای
که گوید نیستم از هیچ آگاه

- (۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- (۲) وگر توفيق او يكسو نهد پاي
- (۳) خرد را گر بخشند روشانی
- (۴) کمال عقل آن باشد در اين راه

- ۲۱- در کدام گزینه فعل و نهاد به «قرینه لفظی» حذف شده است؟

فروماند در لطف و صنع خدای
نه از تدبیر کار آید نه از رای
بماند تا ابد در تیره‌ای
که گوید نیستم از هیچ آگاه

- (۱) يكى روپه‌ي ديد بي دستوپاي
- (۲) وگر توفيق او يكسو نهد پاي
- (۳) خرد را گر بخشند روشانی
- (۴) کمال عقل آن باشد در اين راه

- ۲۲- در کدام گزینه «شیوه بلاغی» وجود ندارد؟

که گوید نیستم از هیچ آگاه
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
فروماند در لطف و صنع خدای
بدین دست و پاي از کجا می‌خورد

- (۱) کمال عقل آن باشد در اين راه
- (۲) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- (۳) يكى روپه‌ي ديد بي دستوپاي
- (۴) که چون زندگانی به سرمی‌برد

- ۲۳- در کدام گزینه یکی از واژه‌های مشخص شده، هسته گروه اسمی نیست؟

فروماند در لطف و صنع خدای
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
که گوید نیستم از هیچ آگاه
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

- (۱) يكى روپه‌ي ديد بي دستوپاي
- (۲) نه بیگانه تیمار خورده نه دوست
- (۳) کمال عقل آن باشد در اين راه
- (۴) شغال نگون‌بخت را شیر خورد

- ۲۴- در کدام یک از موارد زیر موصوف نقش مفعول دارد؟

فروماند در لطف و صنع خدای
نباشد هیچ آزاده ستمگر
که گوید نیستم از هیچ آگاه
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

- الف) يكى روپه‌ي ديد بي دستوپاي
ب) نباشد هیچ بیگانه ستمگر
ج) کمال عقل آن باشد در اين راه
د) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- (۱) الف، د (۲) الف، ب

- ۲۵- با توجه به بیت «در این بود درویش سوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) شوریدرنگ نقش صفت دارد.
- (۲) شغالی به چنگ نقش قیدی دارد.
- (۳) بیت به شیوه بلاغی سروده نشده است.
- (۴) «این» ضمیر اشاره است.

- ۲۶- در کدام بیت «نهاد» درست مشخص شده است؟

بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
که روزی رسان قوت روزش بداد
شد و تکیه بر آفریننده کرد
که شیری برآمد، شغالی به چنگ

- (۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- (۲) دگر روز باز آفاق اوافتاد
- (۳) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- (۴) در این بود درویشن سوریده‌رنگ

- ۲۷- در کدام بیت واژه‌ای در نقش مسنده به کار رفته است؟

شد و تکیه بر آفریننده کرد
که روزی نخوردند پیلان به زور
که بخشنده، روزی فرسنده ز غیب
که نیکی رساند به خلق خدای

- (۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- (۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- (۳) زخدان فرو برد چندی به جیب
- (۴) کسی نیک بینند به هر دو سرای

۲۸- در کدام گزینه ضمیر پیوسته در جایگاه اصلی خود قرار نگرفته است؟

ز دیوار محاباش آمد به گوش
که سعیت بود در ترازوی خویش
که روزی رسان قوت روزش بداد
که خلق از وجودش در آسایش است

- (۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- (۲) بخور تا نوانی به بازوی خویش
- (۳) دگر روز باز اتفاق افتاد
- (۴) خدارا برا آن بنده بخشايش است

۲۹- با توجه به بیت «خدا را بر آن بنده بخشايش است / که خلق از وجودش در آسایش است» کدام گزینه صحیح است؟

(۱) آن» ضمیر اشاره (۲) «ش» در آسایش مضافقالیه (۳) «خدا» مضافقالیه بخشايش است. (۴) «خدا» نهاد است.

۳۰- در کدام گزینه نوع «را» با بقیه متفاوت است؟

که خلق از وجودش در آسایش است
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
مینداز خود را چو روباء شل
بماند آنچه، روباء از آن سیر خورد

- (۱) خدارا برا آن بنده بخشايش است
- (۲) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
- (۳) برو شیر درنده باش ای دغل
- (۴) شغال نگون بخت را شیر خورد

قلمرو ادبی

۳۱- در بیت «به نام چاشنی بخش زیان‌ها / حلاوت‌سنچ معنی در بیان‌ها» کدام آرایه وجود ندارد؟

(۱) حس‌آمیزی (۲) تلمیح (۳) استعاره (۴) جناس

۳۲- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نزند آن دل، که او خواهد نزندش» کدام آرایه‌ها وجود دارد؟
(۱) مراعات نظیر - تضاد - کنایه - مجاز
(۲) کنایه - استعاره - ایهام - تلمیح
(۳) تنااسب - تضاد - تشخیص - مجاز
(۴) ایهام تناسب - تشخیص - حسن تعلیل - مراعات نظیر

۳۳- در کدام گزینه «اضافه استعاری» وجود دارد؟

نزند آن دل، که او خواهد نزندش
نه از تدبیر کار آید نه از رای
به هر کس آنچه می‌بایست داده است
که نی یک موی باشد بیش و نی کم

- (۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
- (۲) وگر توفیق او یک سونه‌د پای
- (۳) در ناسبت احسان گشاده‌ست
- (۴) به ترتیبی نهاده وضع عالم

نه از تدبیر کار آید نه از رای
بماند آنچه، روباء از آن سیر خورد
فروماند در لطف و صنع خدای
که روزی نخورند پیلان به زور

- (۱) وگر توفیق او یک سو نهاد پای
- (۲) شغال نگون بخت را شیر خورد
- (۳) یکی روبه‌ی دید بی دست‌وپای
- (۴) کزین پس به گنجی نشینم چو مور

۳۵- آرایه‌های بیت «خرد راگر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی» در کدام گزینه درست نیست؟

(۱) حس‌آمیزی - متناقض‌نما - تشخیص - واج‌آرایی
(۲) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد
(۳) حس‌آمیزی - استعاره - متناقض‌نما - مجاز

که روزی رسان قوت روزش بداد
بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
که شیری برآمد، شغالی به چنگ
مینداز خود را چو روباء شل

- (۱) حس‌آمیزی - متناقض‌نما - تشخیص - واج‌آرایی
- (۲) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد - واج‌آرایی

۳۶- در کدام گزینه بیش از یک «کنایه» وجود دارد؟

- (۱) دگر روز باز اتفاق افتاد
- (۲) که چون زندگانی به سر می‌برد؟
- (۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
- (۴) برو شیر درنده باش، ای دغل

بدین دست و پای از کجا می خورد؟
که دونه‌تانند بی مغز و پوست
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
که خلق از وجودش در آسایش است

که شیری برآمد، شغالی به چنگ
ز دیوار محابیش آمد به گوش
که سعیت بود در ترازوی خویش
بماند آنچه، روباءه از آن سیر خورد

۳۷- در کدام گزینه «مجاز» وجود ندارد؟

- (۱) که چون زندگانی به سر می برد؟
- (۲) کرم ورزد آن سرکه مغزی در اوست
- (۳) بگیرای جوان، دست درویش پیر
- (۴) خدارابر آن بنده بخشايش است

۳۸- در کدام بیت «مجاز» وجود ندارد؟

- (۱) در این بود درویش شوریده‌رنگ
- (۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- (۳) بخور تا توانی به بازی خویش
- (۴) شغال نگون بخت را شیر خورد

قلمه‌فکری

۳۹- مفهوم بیت «به نام چاشنی بخشی زبان‌ها / حلاوت‌سنچ معنی در بیان‌ها» با کدام گزینه ارتباط معنایی کمتری دارد؟

سرآغاز سخن را داد پیوند
در بیان سخن زبانم بخش
دهد مرجان شیرینت حلاوت جان شیرین را
آتش به خانه که زندانگین (عسل) ما

- (۱) سخن را از حلاوت کرد چون قند
- (۲) چون زبان داده‌ای بیانم بخش
- (۳) لبت مرجان شیرین است و چون با من سخن گوید
- (۴) آه از حلاوت سخن و خلق بی‌تمیز

۴۰- مفهوم همه ایات با بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نزند آن دل، که او خواهد نزندش» قرابت دارد به جز:

ندانم چهاری هر چه هستی تویی
گروهی به آتش برد ز آب نیل
همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فرایی
ساقیا باده بدشادی آن کاین غم از اوست

- (۱) خداوند بالا و پستی تویی
- (۲) گلستان کند آتشی بر خلیل
- (۳) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
- (۴) غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد؟

۴۱- مفهوم بیت «در نابسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌باشد، داده‌ست» با کدام یک از ایات تناسب بیشتری دارد؟

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا
خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد
یا کیست آن که شکر بکی از هزار کرد؟

- (۱) توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس
- (۲) از در خوبی و لطف و بندنه‌نوازی
- (۳) بحر آفرید و بزر و درختان و آدمی
- (۴) فضل خدای را که تواند شمار کرد؟

کدام گزینه تکرار مفهوم بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» است؟
حوادث را ز تأثیر نجوم آسمان بینی
خلل باید همه عالم سراپا
که از آن قاصر است بینش خلق؟
تو نیز ظاهر می‌کن اگر بیان داری

- (۱) ز ترتیب نظام آفرینش چون نهای آگه
- (۲) اگر یک ذره را بگیری از جا
- (۳) چیست حکمت در آفرینش خلق
- (۴) در آفرینش عالم چو حکمت است اظهار

۴۲- بیت کدام گزینه مفهوم متفاوتی دارد؟

همه ادب‌ها اقبال گردد
مرثه رحمت برساند سروش
نکته سریسته چه دانی؟ خموش!
چون تو با مایی نباشد هیچ غم

- (۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- (۲) لطف الهی بکند کار خویش
- (۳) لطف خدا بیشتر از جرم ماست
- (۴) گر هزاران دام باشد هر قدم

۴۴- مفهوم بیت «وگر توفیق او یکسو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای» از کدام گزینه برداشت نمی‌شود؟

- (۱) عجز و ناتوانی عقل و تدبیر
 (۲) نبودن توفیق الهی
 (۳) وجود توفیق و حمایت خدا از انسان
 (۴) موفقیت در تدبیر بسته به توفیق خداست

۴۵- مفهوم بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیرهایی» در بیت کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- (۱) در ره تاریک ژلت عقل را روشنی یک ذره از روی تو بس
 (۲) مُهره‌کشی رشته باریک عقل روشنی دیده تاریک عقل
 (۳) خرد روشنی بخش قلب سیاه خرد رهبر خلق بر راه و چاه
 (۴) روشنی گیرد از اندیشه او چشم خرد را بصر است زانکه اندیشه او چشم خرد را بصر است

۴۶- بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» با کدام گزینه مناسب است؟

- (۱) اسرار ازل رانه تو دانی و نه من وین حرف معما نه تو خوانی و نه من
 (۲) یک موی ندانست ولی موی شکافت دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
 (۳) آخر به کمال ذرهای راه نیافت اندر دل من هزار خورشید بتافت
 (۴) که بدانم همی که ندانم تا بدان جا رسید دانش من

۴۷- مفهوم بیت «یکی روبهی دید بی دست و پای / فروماند در لطف و صنع خدای» به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

- (۱) ندانستم که لطف و صنع ایزد به حسن این جا رساند کار رویت
 (۲) رخشش به مشک نگاریده صنع داور جود لیش به نوش بیاکنده لطف صانع صنع
 (۳) صورت لطف و صنع بی‌چونی خلعت ذات او ز موزونی
 (۴) فطرت زیبای او عنوان صنع قاهر است خلق روح‌افزای او عنوان لطف خالق است

۴۸- کدام بیت پاسخ مناسبی برای پرسش درویش در بیت زیر است؟

- «که چون زندگانی به سر می‌برد؟
 بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟»
 (۱) هر که نان از عمل خویش خورد
 مت حاتم طایی نبرد
 دست‌کشی(نوعی نان) می‌خورم از دست‌رنج
 (۲) دست‌کش کس نیام از بهر گنج
 گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود
 (۳) بر شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
 که سعیت بود در ترازوی خویش
 (۴) بخور تا توانی به بازوی خویش

۴۹- مفهوم بیت «در این بود درویش شوربیدرنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ»، مقابله مفهوم بیت کدام گزینه است؟

- (۱) تهمتن به جنگ فرامرز شیر درآمد چو غزنه شیر دلیر
 (۲) به تنگ اندرش رفت مانند شیر برآورد شمشیر شیر دلیر
 (۳) پلنگی چو چنگش نباشد چو شیر چگونه شود شیر نجیرگیر
 (۴) دام صیاد گیر شیر گیر افتاد عوض گرگ شیر گیر

۵۰- مفهوم بیت «شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- (۱) بسی خوان نعمت برآستند
 نهادند و خود بیش برخاستند
 (۲) بود کلید رزق چون حسن خط نگار من رزق ز روی او دهد فضل خدای رازق من
 (۳) بساط عشرت مهمان بیاراست به چندین ناز و نعمت خوان بیاراست
 (۴) خوانی است زمین پر ز نعمت تو خاک مخواش نیز خوان، خوان

۵۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
 که روزی رسان قوت روزش بداد
 (۲) همه خلق رزق از تو جویند مانا
 که در رزق مردم ز یزدان ضمانتی(ضامن)
 (۳) یک روز بُد به رزق مُقدر امید خلق
 امروز رزق بی‌هنران نامقدار است
 (۴) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
 با پادشه بگوی که روزی مقدر است

۵۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

شد و تکیه بر آفریننده کرد
که روزی نخوردند پیلان به زور
که بخشند، روزی فرسنده ز غیب
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

- (۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- (۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- (۳) زخدان فرو برد چندی به جیب
- (۴) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

۵۳- کدام گزینه کامل‌کننده بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محابش آمد به گوش» نیست؟

که بخشند، روزی فرسنده ز غیب
مینداز خود را چو روباه شل
چه باشی چو روبه به وامانده سیر
که سعیت بود در ترازوی خویش

- (۱) زخدان فرو برد چندی به جیب
- (۲) برو شیر درزنده باش، ای ذعل
- (۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
- (۴) بخور تا توانی به بازوی خویش

۵۴- بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» با کدام بیت تناسبی ندارد؟

رنج خود و راحت یاران طلب
تات رسانند به فرماندهی
که نیکی رسانند به خلق خدای
کریم خطابخشن پوزش‌پذیر

- (۱) سایه خورشیدسواران طلب
- (۲) دردستانی کن و درماندهی
- (۳) کسی نیک بینند به هر دو سرای
- (۴) خداوند بخشندۀ دستگیر

۵۵- بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» با کدام بیت به موضوع مشترکی اشاره می‌کند؟

دریای بخشش و کرم اوست بی‌کنار
از کرم و از خرد و از هنر
روزی تفکدی کن درویش بی‌نوا را
واندر دل دون همت اسرار نو چون باشد

- (۱) خورشید دانش و خرد اوست بی‌زوال
- (۲) هست سرشه دل و جان و تنفس
- (۳) ای صاحب کرامت شکرانه سلامت
- (۴) در خانه غم بودن از همت دون باشد

۵۶- معادل مفهومی واژگان مشخص شده در بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» در کدام گزینه، دقیق، آمده است؟

وی ز کوشش خصم را چون ابر کرده دیده تر
ز بینش مغز داری وز بزرگی استخوان داری
تهی‌کیسه سازد ز مغز استخوان را
پوست بر پوست بود همچو پیاز

- (۱) ای ز بخشش بخل را چون کوه کرده مغز خشک
- (۲) تعالی‌الله ز بخشش دست و از دانش روان داری
- (۳) چه بحر و چه کان چون تو در بخشش آیی
- (۴) آن که چون پسته دیدمش همه مغز

۵۷- بیت «کسی نیک بینند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» با کدام بیت مطابقت مفهومی کاملی دارد؟

گنه ببخشد و بر عاشقان ببخاید
ایزد گنه ببخشد و دفع بلاکند
که خلق از وجودش در آسایش است
بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی

- (۱) طمع ز فیض کرامت مبّر که خلق کریم
- (۲) گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
- (۳) خدارا بر آن بنده بخشایش است
- (۴) توانگرا چو دل و دست کامرانت هست

۵۸- تصویر به کار رفته در بیت «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد» در بیت کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

تو صد پر دُر، همی از قطره باران کنی
گر به دندانش نمایی قطره باران شود
لیکن از صد قطره یک قطره همی گوهر شود
فرون از قطره باران به گنج اندر گهر داری

- (۱) دست تو ابری است پر باران و طبع ما صد
- (۲) قطره باران شود لؤلؤ و هم لؤلؤ ز شرم
- (۳) در صد بسیار باراد قطره باران همی
- (۴) همی تا خلق نشناسد شمار قطره باران

۵۹- کدام گزینه پیام متفاوتی دارد؟

- (۱) منزل حافظ، کنون بارگه پادشاه است
- (۲) آمد آورد پیش خیر فراز
- (۳) دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد
- (۴) در راه خدا بسی دویدیم

۶۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) ای نصیحتگو دمی چنگ از گریبان بدار
- (۲) با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می دهی
- (۳) اگر فقیه نصیحت کند که عشق میاز
- (۴) حال چوگان چون نمی دانی که چیست

۶۱- مفهوم چند بیت با عبارت مقابل آن تناسب ندارد؟

- (الف) رزق هر چند بی گهان برسد
- (ب) گرچه کس بی اجل نخواهد مُرد
- (ج) سحر دیدم درخت ارغوانی
- (د) به گوش ارغوان آهسته گفتم
- (ه) هر که نان از عمل خویش خورد
- (و) بخور تا توانی به بازوی خویش
- (۱) دو
- (۲) سه

۶۲- مفهوم عبارت «موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته، به تعجب گفتند: این مور را ببینید که بار به این گرانی چون می کشد؟» به کدام بیت نزدیک است؟

- (۱) سور ضعیف بارگران چون کشد به جهد
- (۲) ز پای مور تا بال مگس صد بار سنجیدم
- (۳) من تن به خاک می کشم و بار می برم
- (۴) اگر به دیده موری فرو روم صد بار

۶۳- عبارت «مور چون این بشنید، بخندید و گفت: مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.» با کدام بیت قرابت معنایی بیشتری دارد؟

من بار عشق دوست به دل همچنان کشم
نشد بی اعتباری های من سنگ ترازوی
از مور بیش از این چه توان داشت انتظار
معین است که آن سور را خبر نشود

زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند
که زیارتگه رزدان جهان خواهد شد
دستی برون کنیم و بجوییم مرد خویش
از همت بلند دار که مردان روزگار

همت طلب از باطن پیران سحرخیز

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه

از آستین همت گردن وارد خویش

همت بلند دار که مردان روزگار

همت طلب از ابیات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

قطره باران ما گوهر یکدane شد

۲ صائب، مولوی، اوحدی، حافظ

۴ حافظ، صائب، اوحدی، مولوی

الف) معیار دوستان دغل روز حاجت است

ب) صورت بی صورت بی حد غیب

ج) فخری که از وسیلت دونهقتی رسد

د) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

۱ مولوی، صائب، اوحدی، حافظ

۳ صائب، مولوی، حافظ، اوحدی

۶۵- نویسنده آثار «بهارستان، بوستان، فرهاد و شیرین» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) سعدی، جامی، وحشی بافقی، سعدی

(۲) جامی، وحشی بافقی، سعدی

(۳) جامی، سعدی، وحشی بافقی

پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای

- ۱ بیت به شیوه بلاغی (تقدّم فعل بر نهاد و قید) ۲۵
سروده شده است.
- ۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) شغال: مفعول ۲) قوت: مفعول ۴) شغالی به چنگ: قید
مفعول ۳) «بیننده» نقش مستند دارد.
- ۳ ز دیوار محابش آمد به گوش: ز دیوار محرب آمد به گوشش
- ۴ «را» در مصراع اول فک اضافه است و «خدا» مضاف‌الیه «بخشایش» است.
- ۵ خدا را بخشایش (بخشایش خدا) ← هسته: بخشایش؛ نوع «را»: فک اضافه / در سایر گزینه‌ها «را» مفعولی است.
- ۶ در بیت جناس وجود ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) نسبت دادن «سنجدین» به «حلاوت» و نسبت دادن «حلاوت» به «معنی»: حس‌آمیزی ۲) اشاره به مفهوم «علماء البيان»، (سوره الرحمن / آیه ۴): تلمیح ۳) چاشنی استعارة از سخن زیبا / حلاوت‌ستج معنی؛ نسبت دادن «حلاوت‌ستج» به «معنی».
- ۷ «حلاوت» غیرمستقیم، به «معنی» نسبت داده شده است.
- ۸ در بیت استعاره، ایهام، ایهام تناسب، تشخیص وجود ندارد. بررسی سایر آرایه‌ها: سر، دل: مراتعات نظری / تقابل مفهوم دو مصراع آرایه تضاد دارد. / بلند بودن سر کنایه از افتخار / دل همه‌ها از وجود انسان
- ۹ اضافه استعاری (در احسان) ← احسان مانند خانه‌ای دارای در است.
- ۱۰ جناس‌ها عبارت‌اند از: ۱) پای، رای ۲) شیر، سیر ۳) مور، زور
- ۱۱ در بیت ایهام وجود ندارد. / روشنایی، تیره‌رایی: تصاد / نسبت دادن «تیرگی» به «رای»: حس‌آمیزی / در تیره‌رایی ماندن کنایه از گمراهی / نسبت دادن «در تیره‌رایی ماندن» به «خرد»: استعاره (تشخیص) / در تیره‌رایی ماندن خرد: متناقض نما / خرد همه‌ها از انسان
- ۱۲ بررسی گزینه‌ها: ۱) روزی رسان کنایه از خداوند ۲) به سربردن کنایه از گذراندن ۳) شوریدگی رنگ کنایه از آشتفتگی ۴) شیریدرنده بودن کنایه از قدرمندی / چو روباه شل بودن کنایه از ضعف
- ۱۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) دست و پای همه‌ها از توان و امکان ۲) سر همه‌ها از انسان ۴) وجود همه‌ها از اعمال و رفتار رنگ همه‌ها از حال / هوش همه‌ها از هوشیاری / بازو همه‌ها از کار و تلاش / سعی همه‌ها از نتیجه کار و تلاش

- ۱ نژند: اندوه‌گین / رای: دیدن با عقل ۱
۲ صنعت: کار / قوت: رزق روزانه / یقین: بدون شک / ۲
۳ زخدان: چانه ۳
- ۴ چاشنی: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. / نژند: خوار و زبون، اندوه‌گین / حلق: مردم ۴
- ۵ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) سرای: خانه و منزل ۳) چنگ: دست و پنجه ۴) یقین: اطمینان ۵
- ۶ غرین ← قرین ۶
۷ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) سمع ← صنع ۷
- ۸ ۲) می‌خورد ← می خورد ۳) شقالی ← شغالی ۸
- ۹ «بصیر» با دیگر کلمات هم خانواده نیست. ۹
- ۱۰ ترادف ← جیب و گریبان ۱۰
- ۱۱ نگون‌بخت و اقبال ← نگون‌بخت به معنی یک فرد بدیخت، اما «اقبال» به معنی خویشخست است که هیچ تضادی ندارد. ۱۱
- ۱۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) مهراب ← محاب ۱۲
- ۱۳ ۳) دغل ← دغل ۴) خیش ← خویش ۱۳
- ۱۴ «شد» در بیت‌های «الف» و «ب» به معنای «شد» (فعل اسنادی) به کار رفته است. ۱۴
- ۱۵ وامانده ← باقی‌مانده غذا ۱۵
- ۱۶ بیت دارای یک جمله یک‌جزئی استثنایی با فعل حذفی «آغاز می‌کنم» است. / «حلاوت‌ستج معنی» ترکیب اضافی است. ۱۶
- ۱۷ توجه: «آن» در هر دو مصراع صفت است، نه ضمیر. «او» در هر دو مصراع نهاد و ضمیر «ش» در هر دو مصراع مفعول است. ۱۷
- ۱۸ آن (صفت) سر(نهاد) بلند(مسنده) است که او(نهاد) آن(مفعول) را بلند (مسنده) خواهد / آن (صفت) دل(نهاد) نژند(مسنده) است که او(نهاد) آن (مفعول) را نژند (مسنده) خواهد. ۱۸
- ۱۹ بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) «در» هسته‌اولین گروه اسامی است. ۳) «نابسته» مضاف‌الیه و «کس» متمم است. ۴) بیت سه جمله دارد. ۱۹
- ۲۰ هسته‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «کس، وضع، سو، آن» ۲۰
- ۲۱ «خرد» متمم است. ۲۱
- ۲۲ گزینه ۳) نقش مفعولی و بقیه گزینه‌ها نقش نهادی دارند. ۲۲
- ۲۳ نه از تدبیر کار آید نه از رای [کار آید]. ۲۳
- ۲۴ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) تقدّم فعل بر منتم ۲۴
- ۲۵ تقدّم فعل بر نهاد ۳) تقدّم فعل بر صفت و متمم. ۲۵
- ۲۶ «بی‌دست‌وپایی» وابسته پسین (صفت بیانی) است. ۲۶
- ۲۷ در بیت «الف» روباه بی دست و پای ← «روباه»: مفعول و در بیت «د» شغال نگون‌بخت ← «شغال»: مفعول ۲۷



۹۶۷ - در عبارت زیر، مرغزار، چگونه توصیف شده است؟
(انسانی ۷۸)

«آورده‌اند که در ناحیه کشمیر متصیّدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.»

۱) بس که دل انگیز بود، طاووس‌ها و زاغ‌ها با آرامش خاطر و صفا با هم زندگی می‌کردند.

۲) بس که در آن طاووس‌های زیبا وجود داشتند، زاغ‌ها مجال حضور نمی‌یافتدند.

۳) زیبایی آن، رشت‌ها را زیبا و زیبایان را زیباتر نشان می‌داد.

۴) بازتاب زیبایی آن، رشت را نیز زیبا جلوه می‌کرد و زیبایان در برابر آن، رشت دیده می‌شدند.

۹۶۸ - مفهوم بیت «به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کرم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» در کدام گزینه، کامل بیان شده است؟
(هنر ۷۸)

۱) چون زمینه‌ها و انگیزه‌های گناه فراهم بود، از ارتکاب خط‌گریزی نبود. ۲) چنان‌چه آب را گوارا نمی‌یافتم، هرگز این خطا از من سر نمی‌زد.

۳) عطش حاصل از گرمای طاقت‌فرسا مرا به ارتکاب گناه برانگیخت. ۴) اگر از عقل و خرد بهره‌ای می‌داشتم، می‌لی به خط‌گذاری نبود.

۹۶۹ - با توجه به شاهنامه فردوسی، پدر فریدون که بود و به چه سرنوشتی گرفتار آمد؟
(هنر ۷۹)

۱) آیین - مغز سرش غذای ماران شد. ۲) سیاوش - در سرزمین غربت کشته شد.

۳) کیخسرو - به مرگ طبیعی درگذشت. ۴) کیکاووس - به ناکامی و تیره‌روزی درگذشت.

۹۷۰ - در بیت «خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو» منظور از «دیو» و «گیهان خدیو» کدام است؟
(انسانی ۷۹)

۱) شیطان - امیر ۲) شیطان - فریدون ۳) ضحاک - خدا ۴) ضحاک - فریدون

۹۷۱ - معنی «قلاکردن» در عبارت «من قلاکردم و روزی که پیروز نبود، رفتم سر بچه‌اش» چیست؟
(انسانی ۷۹)

۱) از جای کنند ۲) بی‌احتیاطی کردن ۳) کلک زدن ۴) نادانی کردن

۹۷۲ - «بونصر را بگوی که امروز ڈرستم و در این سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.» یعنی
(تجربی ۸۰)

۱) به خاطر بونصر شایع کن که تندرست هستم و در روزهای آینده به دیدارتان می‌آیم زیرا مرض و تب از بین رفت.

۲) به بونصر بگو که امروز حالم خوب است و در دو سه روز آینده اجازه ملاقات خواهیم داد زیرا که بیماری و تب، کاملاً برطرف شد.

۳) به بونصر خبر بده که من تا امروز حالم خوب بوده و دو سه روز مشغول ملاقات با افراد بودم چون دیگر هیچ بیماری ندارم.

۴) به بونصر توضیح بده که اگر امروز حالم بهبود یابد تا دو سه روز دیگر رفع حمّت می‌کنم برای اینکه هیچ بهانه‌ای دیگر ندارم.

۹۷۳ - کدام گزینه از متن زیر، دریافت می‌شود؟
(هنر ۸۰)

«تا این عارضه افتاده بود، بونصر نامه‌های رسیده را، به خط خویش، نُکت بیرون می‌آورد و از بسیاری نُکت، چیزی که در او کراهیتی نبود، می‌فرستاد فرود سرای، به دست من و من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیر، جواب می‌آوردم و امیر را هیچ ندیدمی. تا آن‌گاه که نامه‌ها آمد از پسران علی تکین و من نُکت آن نامه‌ها پیش بدم و بشارتی بود. آغاجی بستد و پیش برد. پس از یک ساعت، برآمد و گفت: ای بالفضل، تو را امیر می‌بخواند. پیش رفتم، یافتم امیر را مخنثه در گردن، عقدی همه کافور.»

۱) آغاجی خادم، نامه‌ها را از بیهقی می‌گرفت و به امیر می‌داد و پاسخ‌ها را از امیر به دست بیهقی می‌رساند.

۲) بواسطه نامه‌ها را تندتند به امیر می‌داد و پاسخ آنها را شخصاً از دست امیر می‌گرفت.

۳) بیهقی وقتی مژده داد که نامه‌های پسران علی تکین رسیده است، امیر را شادمان دید.

۴) بونصر به دور مطالب ارزشمند نامه‌ها خط می‌کشید تا امیر فقط آنها را بخواند.

(انسانی فارج از گشتو)

- ۲) وزر و وبال، سبب زندگان، تفرع و التماس
۴) بیت‌الحزن و ماتم‌کده، سباحت و زیبایی، مأوا و سرپناه

(انسانی فارج از گشتو)

- ۲) مثنوی معنوی، فیه مافیه، کویر
۴) تیران، تذكرة‌الاولیا، بخارای من ایل من

(انسانی فارج از گشتو)

که این چه ساق است و ساعد باریک
پیش چشم مت جهان کنم تاریک»
۲) درشتی ز کس نشنود نرم‌گوی
۴) دشمن چه کند چو مهریان باشد دوست

(انسانی فارج از گشتو)

هر که را در جان، غم جانانه نیست»
گوش هر خام کجا لایق گفتار من است
نه هر که گوش کند معنی سخن دارد
من که زخمش را نهان از چشم سوزن داشتم
هر که گوشی پهن سازد محروم این راز نیست

(انسانی فارج از گشتو)

بنای زندگی بر آب می‌دید»
زنده آن است که با دوست وصالی دارد
تکیه مکن بر اوی و بیش باش زینهار
بده آن باده نوشین که جهان بر باد است
مزن به هرزه نفس زان که زندگی نفسی است

(انسانی فارج از گشتو)

بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا»
همه عالم به چشم چشمۀ آب
کاین شتر صالح است یا خر دجال
در همه شهر دلی نیست که دیگر بربایی
عقل باور نکند کز رمضان اندیشد

۱۱۳۴- در کدام گزینه، املای یکی از واژه‌ها غلط است؟

- ۱) تأمل و مکث، نشئۀ خوب، طاق ضربی
۳) کراهیت و ناپسندی، صعب و سخت، مکار و دغل

۱۱۳۵- در کدام گزینه، موضوع همه آثار همسان و هماهنگ است؟

- ۱) منطق‌الطیر، کویر، تمہیدات
۳) تمہیدات، فی حقیقت‌العشق، فیه مافیه

۱۱۳۶- ابیات زیر، مصداق کدام ضرب‌المثل است؟

«مگسی گفت عنکبوتی را
گفت اگر در کمند ممن افته

- ۱) حال هر کس موافق قال است
۳) دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد

۱۱۳۷- مفهوم بیت زیر از همه ابیات در بافت می‌شود، به جز:

«نیست جانش محروم اسرار عشق

- ۱) آتش از گرمی افسانه من گوش گرفت
۲) پیام اهل دل است این خبر که سعدی داد
۳) کی به هر نامحرمی چاک جگر خواهی نمود
۴) پیش گل نتوان حدیث روی او گفتن سلیم

۱۱۳۸- همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«ز خسارش فرومی‌ریخت اشکی

- ۱) زندگانی نتوان گفت حیاتی که مراست
۲) دل بر جهان منه که جهان را ثبات نیست
۳) دل من بی تو جهانی است پر از فتنه و شور
۴) چو صبح هم نفس مهر آفتابی باش

۱۱۳۹- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«به حرص ارشرتی خوردم مگیر از من که بدکرم

- ۱) تشنگان را نماید اندر خواب
۲) چون سگِ درنده، گوشت یافت نپرسد
۳) روز صحراء سمع است و لب جوی و تماشا
۴) ملحد گرسنه در خانۀ خالی بر خوان



- ۱- از واژگان داخل کمانک، چند واژه نادرست معنا شده است؟
 (اقبال: سعادت) (حمیت: جوانمرد) (ضعب: دشواری) (آماس کردن: گنجایش پیدا کردن) (سست عنصر: بی غیرتی) (طوع: فرمان بردار) (نفایس: چیزهای نفیس و گران بها) (افراط: از حد درگذشتن، زیاده روی) (افسر: صاحب منصب) (ضباحت: جمال)
- | | | | |
|--------|--------|----------|---------|
| (۱) دو | (۲) سه | (۳) چهار | (۴) پنج |
|--------|--------|----------|---------|
- ۲- معنای واژگان «افگار، حلاوت، فروماندن، شبگیر، مهملی» در کدام گزینه به ترتیب، درست آمده است؟
- | | |
|--|---|
| (۱) خسته، شیرینی، متحیر شده، سحرگاه، بیهوده و خیره | (۲) مجروح، شیرین، حیرت زده، پس از صبح، گراف |
| (۳) زحمی، حلوای، متحیر، سحرگاه، سست و تنبل | (۴) خسته، شیرینی، متحیر شدن، پیش از صبح، بی کارگی و تنبلی |
- ۳- در کدام گزینه معنای واژه کاملاً درست آمده است؟
- | | |
|--|---|
| (۱) آغوز: شیری که یک ماده به نوزادش می دهد و سرشار از مواد مقوی است. | (۲) نمَد: لباسی گُلُفت که از پشم یا گُرکِ مالیده می سازند. |
| (۳) زبورک: نوعی توب چنگی کوچک دارای دو چرخ که روی شتر می بستند. | (۴) کلون: قفل چوبی که جلوی در نصب می کنند و در را با آن می بندند. |
- ۴- در متن زیر چند غلط املایی دیده می شود؟
 «گفت: این کبوتران تکفل کرده ام و ایشان را از آن روی بر من حقی واجب شده است و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذارند و به مؤونت و مظاهرت ایشان از دست بسیار بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجِبِ صیادت را به عدا رسانید.»
- | | | | |
|--------|--------|--------|----------|
| (۱) یک | (۲) دو | (۳) سه | (۴) چهار |
|--------|--------|--------|----------|
- ۵- در کدام گزینه غلط املایی دیده نمی شود؟
- | | |
|------------------------------|------------------------------------|
| (۱) بر آن گرزه گاوسر دست برد | (۲) مگو سوخت جان من از فrotein عشق |
| (۳) شجاع قضنفر وصی نبی | (۴) چو شیر خدا راند بر خسم نیغ |
- ۶- نسبت چند اثر به پدیدآورنده آن نادرست است?
 (فرهاد و شیرین: نظمی) (بهارستان: جامی) (تحفه الاحرار: نجم الدین رازی) (زندگانی جلال الدین محمد، مشهور به مولوی: دکتر شفیعی کدکنی)
 (اسرار التوحید: ابوسعید ابوالخیر) (روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن)
- | | | | |
|--------|--------|----------|---------|
| (۱) دو | (۲) سه | (۳) چهار | (۴) پنج |
|--------|--------|----------|---------|
- ۷- نویسندهای کتاب‌های «لیلی و مجنون - تذكرة الاولیا - عبّاس میرزا، آغازگری تنها» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
- | | |
|--|--|
| (۱) جامی، عطار، محمدبن منور، مجید واعظی | (۲) نظامی، عطار، نجم الدین رازی، مجید واعظی |
| (۳) نظامی، عطار، نجم دایه، قائم مقام فراهانی | (۴) جامی، محمدبن منور، شمس قیس رازی، قائم مقام فراهانی |
- ۸- کدام اثر درست معرفی نشده است؟
- | | |
|--|---------------------------------|
| (۱) دیوان غربی - شرقی: یوهان ولغانگ گوته | (۲) تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی |
| (۳) در امواج سند: مهدی حمیدی شیرازی | (۴) غزلیات شمس: شمس تبریزی |
- ۹- فعل کدام جمله مجهول است؟
- | | |
|--|--|
| (۱) آین دیر کافی تا نماز دیگر از این مهمات فارغ شده بود. | (۲) امروز درستم و علّت و تب تمامی زایل شد. |
| (۳) آن گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. | (۴) نامه نبشه آمد و به توقيع مؤکد گشت و خيلتاشان برفتند. |



آزمون جامع (۲)



۱- از مجموع واژگان داخل کمانک، چند واژه نادرست معنا شده است؟

(بار: اجازه، رخصت) (آفاق: کرانه آسمان) (اژدهاپیکر: دارای نقش اژدها) (خدو: پادشاه) (خایب: بی بهره) (عيار: سنجه) (خوان: بزرگ قوم)

- | | | | |
|-------|-------|---------|--------|
| ۱) دو | ۲) سه | ۳) چهار | ۴) پنج |
|-------|-------|---------|--------|

۲- معانی واژگان «تیره‌ایی، ټبال، پایمردی، شکاری» به ترتیب، در کدام گزینه درست آمده است؟

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) ناراستی، گناه، خواهشگری، نخجیر | ۲) بداندیشی، گرانی، میانجی، نخجیر |
| ۳) ناراستی، سختی، شفاعت، شکار کردن | ۴) بداندیشی، عذاب، مردانگی، صیاد |

۳- معنای کدام واژه در برابر آن نادرست آمده است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) فُلّاکردن: کمین کردن | ۲) آبرش: اسیبی که دارای پوست خالدار یا رنگ به رنگ است. |
| ۳) مواجب: وظایف و اعمالی که انجام آن بر شخص واجب است. | ۴) بازارگاه: محل رفت و آمد |

۴- در متن زیر، املای چند واژه نادرست آمده است؟

«حاج آقا، عذر می خواهم! وقتی در حضور جمع به مسامحه به تنومندی یک نظامی اشاره می کنید، شما را به بی عدالتی مُتّهم خواهند کرد و همه جا خواهند گفت که آقای مدّرس، مرد خوب و شوخ تبعی است که سخنان نمکین بسیار می گوید اما مسائل جدی قابل تعامل، چندان که باید، در چننه ندارد و دشمنان شما بهانه خواهند یافت و شما را خواهند کویید.»

- | | | | |
|-------|-------|---------|--------|
| ۱) دو | ۲) سه | ۳) چهار | ۴) پنج |
|-------|-------|---------|--------|

۵- در گروه کلمات کدام گزینه، غلط املایی دیده نمی شود؟

- | | |
|--|---|
| ۱) نهیب و فریاد - حمیت و تعصّب - صفیر و آواز | ۲) محضر و استشهادنامه - خالیگر و آشپز - استخلاص و رهایی جُستن |
| ۳) الطفات و توجّه - اهمال و کاهلی - ثقّت و اطمینان | ۴) عصيان و نافرمانی - فرنگی معاب و متجدد - شماتت و ملامت |

۶- در کمانک‌های زیر نسبت چند اثر به پدیدآورنده‌اش، درست آمده است؟

(بهارستان: محمدبن منور) (زندان موصل: مجید واعظی) (روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن) (مرصاد العباد: نجم الدین دایه) (روضه خلد: مَجَدُ خَوَافِي) (شلووارهای وصله‌دار: غلامحسین یوسفی) (سهدیدار: نادر ابراهیمی)

- | | | | |
|-------|---------|--------|-------|
| ۱) سه | ۲) چهار | ۳) پنج | ۴) شش |
|-------|---------|--------|-------|

۷- در کدام گزینه همه آثار به نثر نگاشته شده است؟

- | | |
|---|---|
| ۱) کلیله و دمنه، غزلیات شمس، حملة حیدری | ۲) فرهاد و شیرین، جوامع الحکایات، تذکرة الاولیا |
| ۳) تحفة الاحرار، بوستان، لیلی و مجنون | ۴) مرصاد العباد، تاریخ بیهقی، اسرار التوحید |

۸- نویسنده کدام اثر نادرست است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) ماه نو و مرغان آوازه: راییندرانات تاگور | ۲) پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران |
| ۳) پرنده‌ای به نام آذرباد: سباستین باخ | ۴) دیوان غربی - شرقی: یوهان ولگانگ گوته |

۹- چند واژه با در نظر گرفتن جایگاه همزه از نظر املایی نادرست است؟

«هیئت - الان - مار بوا - مبدأ - رؤیا - مؤلف - متلاطئ - جزء - اجرت - آسان - مأکد - مأخذ - شیء»

- | | | | |
|---------|-------|-------|-------|
| ۱) چهار | ۲) سه | ۳) دو | ۴) یک |
|---------|-------|-------|-------|

۱۰- در عبارت «سعدي که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد، آن قدر خود را خم می کرد که به حد فهم ناچیز کودکانه من برسد. چشم عقاب و لطفات کبوتر که هیچ حُفَرَه‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.» به ترتیب، چند ترکیب «وصفي» و «اضافی» به کار رفته است؟

- | | | | |
|-------------|-----------|-------------|------------|
| ۱) هفت، پنج | ۲) شش، شش | ۳) پنج، پنج | ۴) پنج، شش |
|-------------|-----------|-------------|------------|